



## بررسی جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان در کشورهای عربی خلیج فارس در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰؛ مطالعه موردی بحرین

مقاله ترویجی

محمد منصوری مقدم، استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران  
فرشید لاری منفرد، کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰-۰۳-۳۱

دریافت: ۱۴۰۰-۰۲-۲۲

صص: ۱۶۷-۱۴۷

### چکیده

حضور زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی به دلیل نوع نگاه حاکمیت و مواضع برخی جریان‌های سیاسی و دینی، همواره یکی از مسائل و دغدغه‌های مورد بحث در سطح جامعه بوده است. در این میان، بحرین که از سال ۲۰۰۲ شاهد بروز تحولاتی در عرصه سیاسی بوده است، اقداماتی برای افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان انجام داده است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی داده‌های تاریخی را ارزیابی و تجزیه و تحلیل می‌کنیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود هنجارها و آداب و رسوم خاص جوامع عربی، ساختار سیاسی سنتی حکومت بحرین و روش سرکوب‌گرانه این کشور در برخورد با مخالفان سیاسی به‌ویژه در اعتراضات و تظاهرات سیاسی ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، حضور زنان در مناصب مهم سیاسی و اجتماعی در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. افزایش تعداد انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های غیردولتی زنان و همچنین افزایش میزان حضور آنان در مناصب بالای سیاسی مانند وزارتخانه، سفارتخانه، نمایندگی مجلس، حاکی از تأثیرات مثبت اصلاحات سیاسی سال ۲۰۰۲ شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه در ارتقای نقش و جایگاه سیاسی زنان بحرین در دهه‌های اخیر است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش، اشتغال، بحرین، خلیج فارس، زنان، نظام سیاسی.



## مقدمه

کشورهای حوزه خلیج فارس هرچند گشایشی در فضای سیاسی داخلی ایجاد نکرده‌اند، در دو دهه گذشته نسبت به مسئله حضور زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی رویکردهای مثبتی به کار گرفته‌اند. در این میان بحرین پس از فوت شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه در سال ۱۹۹۹ و جانشینی فرزندش شیخ حمد بن عیسی با ارائه و تصویب طرحی با عنوان «منشور اقدام ملی» یا به زبان عربی «میثاق العمل الوطنی» در پی تغییر نظام حکومتی از امارت به پادشاهی و اجرای اصلاحات سیاسی و اجتماعی برآمد. از آنجا که از مهم‌ترین اهداف این منشور، گشایش فضای سیاسی، گسترش دموکراسی، افزایش مشارکت مردم و به‌ویژه اعطای حق رأی به زنان بوده است، برخی مدعی‌اند که در نقش و جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان بحرین بهبودی حاصل شده است. در حالی که مخالفان حاکمیت معتقدند تغییراتی همچون اعطای حق رأی به زنان، تشکیل نهادهای مدنی، حضور زنان در کابینه دولت و انتخابات مجلس، اقدامی در جهت فریب افکار عمومی بوده است و به‌منزله معیاری مطلوب برای ارزیابی مشارکت سیاسی و اجتماعی و اجرای تمام و کمال منشور اقدام ملی محسوب نمی‌شود. زیرا همه مناصب و سمت‌های مهم دولتی در دست زنان آل خلیفه است و دیگر زنان بحرین به ویژه زنان شیعه هیچ نقشی در مناصب مهم سیاسی و اجتماعی در دو دهه اخیر نداشته‌اند. بنابراین اینان معتقدند حاکمیت در ارتقای جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان چندان جدی نبوده است و بیشتر در پی اقناع دولت‌های خارجی و مخالفان داخلی بوده است.

در این مقاله بدون اینکه نظر جانب‌دارانه‌ای نسبت به هر کدام از این دیدگاه‌ها داشته باشیم، می‌خواهیم با رجوع مستقیم به جامعه بحرین و با آمار، ارقام و شواهد، این موضوع را بررسی کنیم. در این پژوهش این پرسش مطرح است که اصلاحات سیاسی شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین، در سال ۲۰۰۲ چه تأثیری بر نقش و جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان بحرین داشته است؟ فرضیه پژوهش این است که اصلاحات سیاسی فوریه ۲۰۰۱ بحرین و تأثیرات ناشی از آن با افزایش آزادی‌های سیاسی و زمینه‌سازی برای ایجاد نهادهای مربوط به زنان، جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان را افزایش داده است. روش در این پژوهش، ازلحاظ ماهیت بنیادی و از نظر روش توصیفی تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. با بررسی موردی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان بحرین به‌ویژه حضورشان در انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و مشارکتشان در رقابت‌های انتخاباتی طی سال‌های ۲۰۰۲



تا ۲۰۱۸، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز را گردآوری و بررسی و تحلیل می‌کنیم.

در ارتباط با جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان بحرین تاکنون اثری به‌صورت جامع و مستقل به زبان فارسی نگاشته نشده است. نزدیک‌ترین اثر به موضوع پژوهش حاضر، مقاله «واکاوی منشور اقدام ملی و تأثیر آن بر وضعیت سیاسی بحرین» تألیف عباس حاتمی (۱۳۹۷) است. این مقاله مهم‌ترین مفاد منشور اقدام ملی و میزان تأثیر آن بر وضعیت سیاسی بحرین را واکاوی می‌کند. مقاله «انتخابات بحرین» تألیف کاوه بیات (۱۳۷۹) از دیگر آثاری است که به‌طور مختصر به بحث منشور اقدام ملی بحرین پرداخته است. همچنین در خصوص شناخت وضعیت زنان بحرین می‌توان به کتاب «بحرین» اثر معصومه سیف افجه‌ای (۱۳۸۱) اشاره کنیم. او در این کتاب اطلاعاتی مختصر در خصوص وضعیت زنان بحرین ارائه کرده است. ملیحه فرجی (۱۳۹۶) در مقاله «وضعیت حقوق بشری زنان بحرین» به وضعیت حقوق بشری زنان بحرین پرداخته است. زهرا پیشگاهی فرد و محمد زهدی گهرپور (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی» به دلایل و موانع مشارکت سیاسی زنان خاورمیانه به‌صورت کلی پرداخته‌اند.

از آثار دیگری که به موضوع این پژوهش مربوط می‌شود، مقاله‌ای انگلیسی با عنوان «زنان بحرین در قرن بیست و یکم» تألیف مگدانالا کارولاک<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) است. مؤلف در این مقاله ضمن توجه به وضعیت زنان بحرین، برخی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان را بیان کرده است. دو مقاله نیز به زبان عربی وجود دارد. یکی مقاله احمد زمان با عنوان «وضعیت زنان بحرینی» که در روزنامه «الایام»<sup>۲</sup> چاپ شده است و در آن نویسنده به اصلاحات پادشاه بحرین و تلاش او برای رشد جایگاه سیاسی زنان اشاره کرده است. او معتقد است: «پیشرفت چشمگیر زنان بحرینی در همه زمینه‌ها نتیجه حمایت و اصلاحات پادشاه شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه و امضای معاهدات بین‌المللی است». او در ادامه تأثیر جنبش زنان بحرین بر فعالان حقوق زنان در دیگر کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس و تلاششان برای دستیابی به حقوق برابر با مردان را بیان می‌کند (Zaman, 2020).

وفاء العم دیگر روزنامه‌نگار بحرینی نیز در مقاله‌ای به وضعیت و جایگاه سیاسی زنان بحرینی می‌پردازد. به اعتقاد وی، هرچند هنوز حمایت دولت و جامعه بحرین از زنان برای تصدی

## 1. Magdalena Karolak

۲. این روزنامه را در سال ۱۹۸۹ نیپل الهامر در منامه تأسیس کرد. گرایش سیاسی این نشریه لیبرالی و طرفدار حاکمیت است.



سمت‌های رهبری و مدیریتی محدود است، زنان بحرینی از مناصب رهبری و مدیریتی بسیاری در بخش دولتی برخوردارند. تا آنجا که نه زن در مجلس مشورتی (که از میان آنان، یک زن نایب‌رئیس مجلس مشورتی است) و ۶ نفر دیگر در مجلس نمایندگان عضویت دارند. به اعتقاد وی آمارهای رسمی، حکایت از توانمندسازی زنان بحرین دارد (Alam, 2020).

همان‌طور که گفتیم در خصوص فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان در کشورهای اسلامی به‌ویژه زنان بحرین، پژوهش‌های مختلفی در قالب کتاب و مقاله نوشته شده است، اما در هیچ‌کدام از این آثار، به‌ویژه به زبان فارسی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان بحرین بعد از اصلاحات شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه در قالب پژوهش جامع و مستقل بررسی و ارزیابی نشده است.

در این پژوهش علاوه بر اینکه جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان بحرین را از زمان روی کار آمدن شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه روشن می‌سازد، تأثیر منشور اقدام ملی بحرین در رشد مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در این کشور را نیز آشکار می‌کند. بر همین اساس در این پژوهش در پی بررسی تأثیر اصلاحات سیاسی سال ۲۰۰۲ بحرین در ارتقای جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان هستیم. همچنین با شناخت برخی از نهادهای مدنی متعلق به زنان بحرین، اهداف و کارکردهای آنان را برای ورود بیش از پیش به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بررسی می‌کنیم. همچنین دیدگاه برخی از جریان‌های سیاسی بحرین راجع به مسئله حضور زنان در عرصه سیاسی را بیان می‌کنیم.

### اصلاحات سیاسی شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه

شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین که بعد از فوت پدرش در مارس ۱۹۹۹ به قدرت رسید، در اثر فشارهای داخلی و خارجی، تمایل خود را مبنی بر انجام پاره‌ای اصلاحات سیاسی و اقتصادی نشان داد. وی در اولین اقدام، منشوری با عنوان «منشور اقدام ملی» تدوین کرد. در آن ضمن پیش‌بینی انجام برخی اصلاحات در متن قانون اساسی سال ۱۹۷۲، مواردی همچون برگزاری انتخابات و بازگشایی مجلس نمایندگان، اعطای حق رأی و کاندیداتوری به زنان در انتخابات شوراها و مجلس گنجانده شده بود. علاوه بر منشور اقدام ملی، دولت در خصوص حذف «دادگاه امنیتی حکومتی» و «قوانین ویژه امنیتی» که بعد از ناآرامی‌های داخلی در سال ۱۹۹۵ برقرار شده بودند، اقدام فوری انجام داد (Bazdar, 2010: 149). او همچنین با رهبران سیاسی مخالف که در زندان بسر می‌بردند نیز دیدار کرد و توانست اعتماد آنان را درباره مفیدبودن منشور اقدام ملی به‌دست آورد؛ آنان نیز با سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه



رضایت کلی خود را نسبت به این منشور اعلام کردند (Hatami and Baygi, 2018: 142). حمد بن عیسی پس از ترسیم آینده‌ای روشن در مقابل دیدگان نخبگان و مردم عادی بحرین، ۱۴ و ۱۵ فوریه ۲۰۰۱ را به‌عنوان روز همه‌پرسی عمومی برای منشور اقدام ملی تعیین کرد. در نهایت این منشور با ۹۸،۴ درصد رأی مثبت مردم تصویب شد (Hatami and Baygi, ۲۰۱۸: ۱۴۳). برخی از نویسندگان پس از تصویب این منشور، آن را گامی جدی و اساسی در استقرار نظام مشروطه سلطنتی در بحرین به شمار آورده‌اند. آنچنان که کاوه بیات در این باره معتقد است: «مشارکت گسترده مردم بحرین در فراندوم ماه گذشته که به تصویب بی چون و چرای منشور حرکت ملی منجر شد، با فراهم آوردن زمینه‌های استقرار یک نظام مشروطه سلطنتی و درنظرداشتن مواردی همچون اعطای حق انتخاب و انتخاب‌شدن به زنان و تشکیل یک مجلس شورای ملی، بحرین را در آستانه تبدیل شدن به یکی از ممالک بالنسبه آزاد حاشیه جنوبی خلیج فارس قرار داد. این امر نه تنها مهم‌ترین تحول این کشور بعد استقلال از قیمومیت بریتانیا محسوب می‌شود، بلکه احتمالاً در صورت توفیق و استمرار، از اهمیت منطقه‌ای خاصی نیز برخوردار خواهد شد» (Bayat, 2000: 239).

در ادامه لازم است برای درک بهتر منشور اقدام ملی و نشان‌دادن تأثیر آن بر جایگاه زنان بحرین، مهم‌ترین مفاد آن را که ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با موضوع پژوهش حاضر دارد، بررسی کنیم. منشور اقدام ملی بحرین ۷ فصل دارد که فصل‌های اول و دوم آن به اصول کلی و اساسی جامعه و ساختار حکومتی بحرین می‌پردازد. در فصل اول منشور اقدام ملی به این موارد اشاره شده است:

۱. عدالت، اساس حکومت است و برابری، برتری قانون، آزادی، امنیت، آرامش، اعتماد، دانش، همراهی اجتماعی و برابری فرصت‌ها برای همه شهروندان، اصول بنیادی جامعه است که حکومت آن‌ها را تضمین کرده و تأمین آن‌ها را برعهده گرفته است.
۲. شهروندان در برابر قانون از نظر حقوق و وظایف یکسان بوده و هیچ نوع تبعیض و تفاوتی بین آن‌ها از نظر جنسیت، نژاد، زبان و دین وجود ندارد.
۳. برای اینکه جامعه از همه ظرفیت‌ها و فعالیت‌های مدنی شهروندان بهره‌مند شود، دولت آزادی تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های مدنی، علمی و فرهنگی را با اهداف مشروع و مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون اساسی و ضوابط مقرر در آن تضمین می‌کند. هیچ شخصی مجبور به عضویت در انجمن‌ها یا ادامه فعالیت در آن‌ها نیست.
۴. دولت از همه علوم و دانش‌ها حمایت و پشتیبانی مالی می‌کند. پژوهش‌های علمی را



تشویق و خدمات آموزشی و فرهنگی را برای همه شهروندان فراهم می‌کند. درضمن تحصیلات ابتدایی برای همه شهروندان الزامی و اجباری است.

در فصل دوم منشور ملی نیز که به بحث ساختار سیاسی حکومتی بحرین پرداخته، آمده است: «پادشاه در رأس حکومت قرار دارد و ذات و مقام او محفوظ است و نباید مورد تعدی قرار گیرد. او فرمانده عالی کل قوا و نماد ثبات کشور و بستری بنیادین است که نظام سیاسی بحرین بر آن تکیه دارد. پادشاه، قدرت خود را به وسیله انتصاب نخست‌وزیر و وزیران به شکل مستقیم اعمال می‌کند. وزیران نیز در مقابل پادشاه پاسخگو هستند و اوست که هر زمان اراده کند، می‌تواند آن‌ها را طبق قانون از پست‌هایشان برکنار کند» (Council of Representatives, 2014: 14 – 17).

در تحلیل منشور اقدام ملی بحرین می‌توانیم بگوییم ظاهراً این منشور بر آن نبوده است که تحولات اساسی و ساختاری چندانی در نظام حکومتی بحرین ایجاد کند. به همین دلیل، زمانی که حکومت در تصمیم بعدی خود نسبت به اصلاح قانون اساسی سال ۱۹۷۲ اقدام کرد، قانون اساسی جدید که در همه‌پرسی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ به تصویب نهایی رسید، به همان روش، قدرت را در دست پادشاه بحرین متمرکز ساخت. به بیان دیگر، اگرچه بنابر قانون اساسی جدید، نظام سیاسی بحرین، پادشاهی مشروطه اعلام شد و بحرین دارای قوای سه‌گانه مستقل شد که مجاز به مداخله در انجام وظایف و اختیارات یکدیگر نبودند، در عمل هر سه قوه زیر نظر مستقیم پادشاه بحرین قرار داشتند. طبق قانون اساسی جدید، پادشاه بحرین همچنان حاکم و رئیس کشور است که حکومت در خانواده او موروثی است و پسر ارشد پادشاه را او به‌عنوان جانشین انتخاب می‌کند. همچنین پادشاه بحرین بالاترین مرجع قانونی کشور است و نخست‌وزیر و اعضای کابینه را تعیین می‌کند. افزون بر آن پادشاه حق انتصاب یا عزل هر مقام مملکتی را دارد. مقامات عالی قضایی و مقامات نظامی نیز از سوی پادشاه منصوب می‌شوند (Kazemi Dinan, 2009: 191 – 193).

البته طبق قانون اساسی جدید، دولت بحرین دارای قوه قانونگذاری - مرکب از دو مجلس شورا و مجلس نمایندگان - شد که هر مجلس چهل دارد. اعضای مجلس شورا توسط پادشاه و اعضای مجلس نمایندگان از راه انتخابات برگزیده می‌شوند. مدت زمان هر دوره مجلس نیز چهار سال است. قوانین بعد از موافقت هر دو مجلس جنبه اجرایی می‌یابند. مجلس شورا حق نقض مصوبات مجلس نمایندگان را دارد. پادشاه می‌تواند در شرایط خاص قوانینی را که به تصویب هر دو مجلس رسیده است، دوباره برای بررسی بیشتر به مجلسین بازگرداند. در این صورت مجلس باید با اکثریت دوسوم آرا این قوانین را تعدیل کند. بدین ترتیب، قوه مقننه در بحرین خارج از اراده



پادشاه نمی‌تواند هیچ قانونی تصویب کند. با این حال، مجلس نمایندگان حق استیضاح وزیران را دارد و در صورت موافقت دوسوم اعضا می‌تواند سلب رأی اعتماد وزیران را درخواست کند (Kharazi and Others, 2012: 216 – 217).

نشست مجلس شورا هم‌زمان با نشست مجلس نمایندگان برگزار می‌شود یعنی اینکه هر یک از دو مجلس دارای یک دوره انعقاد هستند. در صورت انحلال مجلس نمایندگان، نشست‌های مجلس شورا نیز متوقف می‌شود؛ زیرا هر دو مجلس مکمل یکدیگرند و در صورت نبود هر یک، اعتبار قانونی دیگری در خصوص قانون‌گذاری و گرفتن تصمیمات ساقط می‌شود (Amirdehi, 2011: 150).

بنابراین با بررسی اصول مختلف منشور اقدام ملی و قانون اساسی جدید بحرین، می‌توان گفت هرچند پادشاه بحرین در سال ۲۰۰۲ اصلاحاتی در ساختار حکومتی انجام داد، این به معنای واگذاری قدرت به مردم و تأکید بر نقش آنان به‌عنوان منشأ حاکمیت نبود. آنچنان که در طول سال‌های اخیر مردم نقش چندانی در عرصه سیاست نداشته‌اند و حتی نمایندگان آن‌ها در مجلس نمایندگان نیز هیچ نقشی در نصب نخست‌وزیر و وزیران نداشته‌اند. نخست‌وزیری خلیفه بن سلمان آل خلیفه پسر عموی شاه از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ گواه این مدعاست.

با این حال، در سال ۲۰۰۲، بحرین اولین عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که به زنان حق رأی اعطا کرد. همان‌طور که گفتیم منشور اقدام ملی در فصل نخست خود، به حقوق و فرصت‌های برابر برای همه شهروندان بحرین تأکید کرده است. علاوه بر آن، ماده یک قانون اساسی بحرین به صراحت بیان کرده است که همه شهروندان بحرین، اعم از زن و مرد از حق رأی و شرکت به‌عنوان کاندیدا در انتخابات برخوردارند. همچنین مطابق قانون اساسی و شرایط و اصول مندرج در آن، هیچ شهروندی را نمی‌توان از حق رأی یا نامزدی در انتخابات جز به موجب قانون محروم کرد (Ahmad, 2011: 7). در نظام‌نامه انتخاباتی بحرین شرایط انتخاب‌شوندگان مجلس شورا و مجلس نمایندگان بدین صورت آمده است:

۱. تابعیت بحرین و برخورداری از حقوق شهروندی و سیاسی؛

۲. خواندن و نوشتن به زبان عربی؛

۳. داشتن ۵۳ سال تمام برای مجلس شورا و دست‌کم ۰۳ سال برای مجلس نمایندگان (Murshid Al-Zuhairi, Salam and Abdol Hamid, 2015: 65).

بنابراین، با اصلاحاتی که شیخ حمد بن عیسی پادشاه بحرین در سال ۲۰۰۲ انجام داد، حداقل شرایط برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان مساعدتر شد.



## فعالیت‌های اجتماعی زنان بحرین

جمعیت زنان بحرین براساس سرشماری سال ۲۰۲۰، حدود ۵۹۳،۹۵۹ نفر است (United Nation Foundation, 2014: 17) و در قیاس با زنان دیگر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس از آزادی بیشتری برخوردارند، اما از نظر حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در چارچوب سنت عربی اسلامی مشابهی قرار گرفته و در قیاس با مردان جایگاه به نسبت پایین‌تری دارند (Ahmad, 2011: 14).

یکی از شاخص‌های ارزیابی نقش و جایگاه زنان در سپهر سیاسی کشورها، وضعیت آموزشی و اشتغال آن‌هاست که در مورد دولت بحرین (البته در قیاس با کشورهای عربی هم‌جوار) می‌توان گفت سابقه به نسبت خوبی دارد. نخستین مدرسه ابتدایی دخترانه بحرین در سال ۱۹۲۸ تأسیس شد و این اولین گام برای آزادی و فعالیت‌های اجتماعی زنان به شمار می‌رود. از آن زمان ادامه تحصیل دختران در سطوح بالاتر با تأخیر بیشتری همراه بود. آنچنان که اولین مدرسه راهنمایی دخترانه در سال ۱۹۵۱ و نخستین دبیرستان دخترانه در اواخر دهه ۱۹۶۰ تأسیس شد. همین مسئله سبب شد در دهه ۱۹۵۰، عده‌ای از دختران جوان برای ادامه تحصیل به بیروت بروند (Bahrain Center for Strategic International and Energy Studies, 2018).

براساس نمونه‌ها و داده‌های آماری مشاهده می‌شود که در حال حاضر نه تنها مشکلی برای ادامه تحصیل زنان وجود ندارد، بلکه فرصت‌های مطالعات و تحصیلات دانشگاهی برای زنان بعد از افتتاح دانشگاه بحرین، دانشگاه خلیج [فارس] و دانشگاه علوم پزشکی افزایش هم پیدا کرده است. برای نمونه، در سال ۲۰۰۷ زنان بحرینی ۷۲ درصد دانشجویان دانشگاه خلیج [فارس] را تشکیل می‌دادند و همچنین زنان ۶۷ درصد از کسانی بودند که در دانشگاه بحرین ثبت نام کردند. این دو دانشگاه از بزرگ‌ترین مؤسسات آموزش عالی در بحرین هستند (Ahmad, 2011: 10).

در خصوص اشتغال زنان نیز مشکل خاصی در بحرین وجود ندارد و تحصیل و کار زنان، به موازات هم صورت می‌گیرد؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، سطح کار نیز افزایش می‌یابد. البته در بحرین زنان بیشتر تمایل دارند در مشاغل معلمی، پرستاری و حوزه‌های هنری و حرفه‌ای تمرکز یابند و کمتر به کارهای دفتری و خدماتی علاقه دارند (Saif Afjehi, 2002: 40 – 41). به همین دلیل، تعداد معلمان زن در سال‌های اخیر نسبت به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس به شکل فزاینده‌ای افزایش داشته است. براساس





گزارش «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» تعداد معلمان زن در مدارس بحرین در هر سال تحصیلی رو به افزایش است (Bahrain NGO, 2008: 45). یکی دیگر از حوزه‌های فعالیت‌های اجتماعی زنان، مشارکت آنان در نهادهای مدنی است. نهادهای مدنی به نهادهایی گفته می‌شود که در راستای توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور شکل می‌گیرند. ویژگی اصلی نهادهای مدنی، غیردولتی بودن آن‌ها و نداشتن وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی و ارگان‌های دولتی است.

البته آزادی اجتماعات در بحرین هم برای زنان و هم مردان محدود است و تشکیل هر نوع اجتماع، نیازمند گرفتن مجوز از وزارت امنیت عمومی است. در بحرین همه نهادهای مدنی را وزارت توسعه اجتماعی هدایت و کنترل می‌کند و آن‌ها تنها مجاز به فعالیت در موارد تعریف شده هستند (Faraji, 2017: 23). برخی از پژوهشگران حوزه تاریخ و سیاست کشورهای اسلامی عربی بر این باورند که نهادهای مدنی در کشورهای عربی نمایی و فرمایشی اند و نقشی در تعیین سرنوشت مردم ندارند. برای نمونه، پیشگاهی فرد و زهدی گهر پور در مقاله «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی» نوشته‌اند: «در مورد کشورهای حوزه خلیج فارس، باید گفت هرچند در سال‌های اخیر، در این کشورها نهادهای مشارکت مدنی به شکل صوری، کم‌وبیش شکل گرفته‌اند، اما از جایگاهی مستحکم در سلسله مراتب قدرت برخوردار نیستند» (Pishgahi Fard and Zohdi Goharpour, 2010: 33).

با وجود نگاه منفی دولت مردان عربی نسبت به نهادهای مدنی، امروز در بحرین بالغ بر ۴ هزار نفر یعنی بیش از ۶۰ درصد اعضای سازمان‌های مردم نهاد را زنان تشکیل می‌دهند و بسیاری از آنان نقش‌های اصلی را در این سازمان‌ها برعهده دارند. از مه ۲۰۰۸ بیش از ۴۵۶ سازمان مردم‌نهاد در بحرین تشکیل شده است که تعداد ۳۱ مورد آن‌ها بر مسائل حقوق زنان متمرکز شده‌اند. هدف از تشکیل این انجمن‌ها، حضور فعال زنان در مسائل سیاسی از جمله مناصب تصمیم‌گیری در مجلس و دیگر سازمان‌های دولتی و مبارزه با همه شکل‌های تبعیض جنسیتی است (Ahmad, 2011: 15).

بنابراین برخلاف نظرات برخی از پژوهشگران درباره نبود انجمن‌ها و نهادهای مدنی در بحرین، به حقیقت نزدیک‌تر این است که در حال حاضر، انجمن‌ها و اتحادیه‌های گوناگونی در بحرین وجود دارند که ضمن آگاهی‌بخشی و توانمندسازی زنان بحرینی نقش زیادی در ارتقای موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین افزایش نفوذ آنان در سطح جامعه ایفا می‌کنند. مهم‌ترین این اتحادیه‌ها و انجمن‌ها این‌ها هستند: انجمن بانوان جوان بحرین، انجمن



حمایت مادران و کودکان، انجمن تجاری زنان، انجمن زنان بحرین، انجمن زنان روستایی، انجمن فرهنگی و خیریه ریف، انجمن زنان شهر حمد، انجمن بین‌المللی زنان، انجمن زنان اوال، اتحادیه عمومی کارگران بحرین، انجمن جامعه‌شناسان بحرین، انجمن حقوق بشر بحرین، انجمن ملی اقدامات دموکراتیک، مرکز پشتیبانی خانواده اتحادیه زنان بحرین، مرکز مشاوره خانواده عایشه یاتیم، مرکز بتلکو<sup>۱</sup> برای پرهیز از خشونت خانگی و شورای عالی زنان (Bahrain NGO, 2008: 44).

یکی از مهم‌ترین نهادهای مدنی متعلق به زنان در بحرین که وظیفه آگاهی‌بخشی و توانمندسازی زنان را برعهده دارد، شورای عالی زنان<sup>۲</sup> است که در سال ۲۰۰۱ به دستور پادشاه بحرین و به ریاست همسر نخست پادشاه، سبیکه بنت ابراهیم تشکیل شد. برخی از مهم‌ترین اهداف شورای عالی زنان این‌ها هستند:

۱. تدوین برنامه ملی برای پیشرفت زنان و غلبه بر همه موانعی که مانع پیشرفت زنان بحرینی است؛

۲. اطمینان بخشی به زنان در خصوص دستیابی به حقوق خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود با ارائه پیشنهاداتی مبنی بر اصلاح قوانین؛

۳. آگاهی‌دادن به جامعه بحرین درباره نقش زنان، حقوق و وظایف آن‌ها از راه سازماندهی و برگزاری رویدادهای ملی برای زنان و تهیه و چاپ بروشور، مجله و نشریات دیداری و الکترونیکی که نقش زنان در زندگی عمومی را پوشش می‌دهد (Murshid Al-Zuhairi, Salam and Abdol Hamid, 2015: 41).

این شورا از طیف گسترده و متنوعی از زنان متخصص تشکیل شده است که مهم‌ترین وظیفه آن، کمک به دولت در زمینه تدوین سیاست‌های مربوط به زنان است (Bahrain NGO, 2008: 25). به بیان دیگر، این شورا نهادی شبه‌دولتی است که وظیفه ارائه مشورت به پادشاه بحرین را برعهده دارد. از دیگر وظایف این شورا حمایت از ورود زنان به مناصب مدیریتی و تصمیم‌گیری، بهبود مهارت‌های زنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، پژوهش در موضوع زنان و همچنین ایجاد انجمن‌های آگاهی‌بخشی به زنان است. این شورا توانمندسازی زنان در سه حوزه اصلی یعنی اقتصادی، سیاسی و درون خانواده را در دستورکار خویش قرار داده است (karolak, 2012: 6). این شورا از بدو تأسیس تاکنون دستاوردهای بسیاری در زمینه‌های

1. Batelco
2. Supreme Council for Women



قانونی داشته است که از آن میان می‌توان تصویب قانون حمایت از خانواده، قانون تأمین امنیت زنان در برابر خشونت خانگی، اصلاح قانون کار در بخش خصوصی برای رفع مشکلات زنان شاغل و برنامه‌هایی برای پیشرفت و توانمندسازی زنان بحرینی مانند طرح ملی پیشرفت زنان را نام برد (Ahmad, 2011: 4-5). یکی دیگر از انجمن‌هایی که در جهت توانمندی زنان بحرینی فعالیت دارد، «انجمن تجاری زنان» است. این انجمن در پی تشویق ورود زنان به صحنه اقتصاد و تجارت است و از ورود زنان به نهادهای اداری و اقتصادی مانند اتاق‌های بازرگانی، بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری حمایت می‌کند (Kharazi and Others, 2012: 96).

غیر از این دو انجمن، تعداد زیادی از انجمن‌های زنان در زمینه خشونت‌های خانگی فعالیت می‌کنند. مانند «مرکز پشتیبانی خانواده» اتحادیه زنان بحرین که در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد و خدمات خود را در قالب یک تیم فنی تخصصی در زمینه مسائل مربوط به وضعیت شخصی و خشونت خانوادگی ارائه می‌دهد. آن‌ها با همکاری نهادهای رسمی ذیربط، مشاوره حقوقی رایگان و پشتیبانی و خدمات روانشناسی ارائه می‌دهند. در این نهاد، همچنین برنامه‌های آموزشی نیز برای گروه‌های مختلف با هدف آگاهی‌بخشی به خانواده اجرا می‌شود (Supreme Council for Women, 2016: 12). مرکز مشاوره خانواده عایشه یتیم نیز که در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد خدمات خود را به وسیله واحد مشاوره اجتماعی، واحد مشاوره روانشناسی و واحد مشاوره حقوقی ارائه می‌دهد. این مرکز پرونده‌های خانواده‌های آسیب‌دیده و مشکلات خانوادگی مختلفی را در دادگاه پیگیری می‌کند. همچنین یک سرویس خط تلفن مشاوره فوری و رایگان برای ارائه مشاوره به زنان ضرر دیده اختصاص داده است (Supreme Council for Women, 2016: 13).

همچنین در سال ۲۰۰۵ با پشتیبانی شرکت مخابرات بحرین<sup>۱</sup> مرکز مشاوره‌ای با عنوان بتلکو برای پرهیز از خشونت خانوادگی تأسیس شد. این مؤسسه نیز به زنانی که در خانواده مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند خدمات پشتیبانی روانی و اجتماعی ارائه می‌دهد (Supreme Council for Women, 2016: 12 – 13). از اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز انجمن زنان اوال مشاوره حقوقی رایگان ارائه می‌دهد به زنانی که مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند. همچنین این انجمن خط تلفنی برای مشاوره و حمایت عاطفی از آنان به صورت کاملاً ناشناس در نظر گرفته است (Ahmad, 2011: 7).

1. Batelco
2. Awal



علاوه بر فعالیت‌های گسترده زنان بحرین در قالب انجمن و سازمان‌های غیردولتی، بحرین در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ میزبان دومین نشست زنان کشورهای عرب بوده است. همچنین همسر نخست پادشاه بحرین در سال ۲۰۰۷ با حضور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد لزوم برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان بحرین سخنرانی کرد. به نظر نشریات بحرین، او از مشوقان جدی حقوق سیاسی زنان بحرین است. به همین سبب، روزنامه‌نگار بحرینی، نوار المطوع در روزنامه «الایام» به وی لقب «ام البحرین» داده است.

### فعالیت‌های سیاسی زنان بحرین

برخی از روزنامه‌نگاران بحرینی معتقدند زنان بحرین به نسبت دیگر زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی بیشتری داشته‌اند. دلیل اصلی این مسئله نیز حمایت حاکمیت و برنامه‌های اصلاحی پادشاه بحرین بوده است. برای نمونه، احمد زمان و وفاء العم معتقدند برنامه‌های حاکمیت در مورد تقویت نقش زنان در جامعه، سبب دستیابی زنان به مناصب سیاسی مختلف در بحرین شده است (Zaman, 2020; Alam, 2020). در واقع، زنان بحرین از سال ۱۹۹۰ توانستند به مقام سفارت دست یابند و از سال ۲۰۰۴، با انتصاب نادا هافاد به‌عنوان وزیر بهداشت، نخستین کشور عربی بود که در آن زنان به‌عنوان وزیر انتخاب شدند. در سال‌های بعد فاطمه البلوشی از جمعیت اسلام‌گرای سنی «الاصلاح» به‌عنوان وزیر توسعه اجتماعی و شیخه می بنت محمد آل خلیفه به‌عنوان وزیر فرهنگ و اطلاع‌رسانی منصوب شدند (Ahmad, 2011: 12). شیخیه جایزه زنان برجسته عرب در حوزه مدیریت اداری را از مرکز مطالعات زنان در پاریس دریافت کرد و از سوی مجله فوربس در لیست ۵۰ زن قدرتمند عرب قرار گرفت (Kharazi and Others, 2012: 197).

فاطمه البلوشی دوباره در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ وزیر بهداشت شد. دیگر وزیر زن سمیره ابراهیم عبدالرسول بود. او به‌عنوان یک زن شیعه از سال ۲۰۱۲ در سمت وزیر امور خارجه برای اطلاعات فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ در مجلس مشورتی بحرین عضویت داشت. در حال حاضر از میان ۱۹ وزیر کابینه دولت بحرین، فقط فائقه بنت سعید صالح، زن است که از اکتبر ۲۰۱۵ تاکنون وزیر بهداشت است (Council of Representatives, 2014). از میان سفیران زن نیز می‌توان یک مسیحی به نام آلیس توماس سمعان را نام برد که در سال ۲۰۱۱ به‌عنوان سفیر بحرین در بریتانیا منصوب شد. او بعدها سمت خود را به فوآد بن محمد آل خلیفه داد. همچنین هدی عزرا نونو یک زن یهودی، سفیر بحرین در ایالات متحده آمریکا است (Council of Representatives, 2014).



به غیر از این شخصیت‌ها، دنیا احمد نویسنده بحرینی در قسمتی از کتاب «المرأة البحرینیة فی المناصب القیادیة المجلس التشريعی نموذجاً» برخی از زنان بحرینی را معرفی کرده است که در ساختار سیاسی بحرین به مناصب بالایی دست یافته‌اند. از برجسته‌ترین آن‌ها این چند نفر هستند: لولوة العوضی (دبیرکل شورای عالی زنان در سال ۲۰۰۱)، شیخه هیا آل خلیفه (اولین سفیر زن و اولین رئیس زن مسلمان مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹)، لطیفه القعود (اولین زن عضو مجلس نمایندگان بحرین در سال ۲۰۰۶)، منی الکواری (اولین زن قاضی بحرینی در دادگاه عالی مدنی در سال ۲۰۰۶)، فاطمه سلمان (اولین عضو شورای شهر در سال ۲۰۱۰) و شیخه حصه آل خلیفه (رئیس هیئت مدیره بانک السلام در سال ۲۰۱۲) (Ahmad, 2013: 2). علاوه بر حضور زنان در مناصب بالای دولتی مانند وزارتخانه و سفارتخانه، طی سال‌های اخیر میزان مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی به صورت محسوسی افزایش داشته است. این موضوع را می‌توان با مقایسه حضور آنان در انتخابات سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ سنجید.

## مشارکت زنان در انتخابات سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶

اولین انتخابات بحرین بعد از تصویب منشور اقدام ملی در اکتبر ۲۰۰۲ برگزار شد. این انتخابات از سوی گروه‌ها و جوامع شیعی مخالف حاکمیت تحریم شده بود. این مسئله به اهل تسنن بحرین کمک کرد که دوسوم کرسی‌های مجلس را به دست آورند. در مجموع ۱۷۰ نفر در این انتخابات به عنوان کاندیدا ثبت نام کردند که فقط شش نفر از آنان زن بودند. در این سال هیچ زنی وارد پارلمان نشد.

اگرچه مشارکت زنان در انتخابات سال ۲۰۰۲ اندک و محدود بود، در دومین انتخابات مجلس که در نوامبر ۲۰۰۶ برگزار شد، ۱۸ زن به عنوان کاندیدا ثبت نام کردند که از آن تعداد فقط لطیفه القعود موفق شد به مجلس راه یابد. او نیز در حوزه انتخابیه خود هیچ رقیبی نداشت (3: katzman, 2011). یکی دیگر از کاندیداهای زن در این انتخابات، منیره فخر بود. او دانشجوی پیشین دانشگاه هاروارد و عضو جریان «الوعد»، بزرگ‌ترین جمعیت سیاسی لیبرال و ملی‌گرا بود. وی در این انتخابات رقیب صالح علی، عضو جمعیت «المنبر» که جریان سنی اسلام‌گرا بود، محسوب می‌شد. منیره فخر فقط از حمایت محدود جمعیت «وفاق اسلامی» برخوردار بود. با این حال، بیشتر زنان حوزه انتخابیه در جریان رقابت‌های انتخاباتی از وی حمایت کردند. او با اختلاف رأی ناچیزی به رقیب خود باخت، اما معتقد بود که در جریان



رأی‌گیری تقلب شده است. او مستندات و دلایل خود را به قصد ابطال انتخابات به دادگاه ارائه کرد، ولی درخواستش رد شد. موفق نشدن احزاب لیبرال و ملی‌گرا مانند الوعد در این انتخابات، به وضوح نشان می‌دهد که شکست او به دلیل وابستگی حزبی بوده و جنسیت او در این شکست تأثیر زیادی نداشته است. در این انتخابات جریان‌های اسلام‌گرای در کنترل مردان، بیشتر کرسی‌های مجلس را به دست آوردند (Ahmad, 2011: 12).

گفتنی است در این انتخابات، بسیاری از نامزدهای زن از طرف نامزدهای مرد زیر فشار قرار گرفتند که از رقابت‌ها کنار بکشند و در این خصوص پیام‌های تلفنی تهدیدآمیز دریافت می‌کردند. علاوه بر این، نامزدهای مرد از تبعیض‌های جنسیتی برای بی‌اعتبارکردن نامزدهای زن استفاده می‌کردند. برای نمونه، ابراهیم بوصندل یکی از کاندیداهای اسلام‌گرای سنی، خطاب به رأی‌دهندگان گفت زنان نباید در سیاست مشارکت داشته باشند، زیرا جای آن‌ها در خانه است. براساس شواهد موجود در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۶، اقدامات خرابکاری نیز علیه زنان صورت می‌گرفت. برای نمونه، در جریان رقابت‌ها، فوزیه زینل ادعا کرد افرادی ستاد او را آتش زده و برایش مزاحمت ایجاد کرده‌اند. در این انتخابات زنان نتوانستند از حمایت احزاب و جمعیت‌های سیاسی برخوردار شوند و هیچ کدام از جریان‌های اسلامی، اعم از شیعه و سنی، مشارکت و نامزدی آنان را در انتخابات تأیید نکردند (karolak, 2012: 8). با وجود این، در دیدگاه و مواضع جریان‌های سیاسی بحرین نسبت به مشارکت زنان در سیاست شکاف ایجاد شد. برای نمونه، برخی از جمعیت‌های اسلامی همچون «المنبر» که یک جریان اسلام‌گرای سنی هستند، دیدگاه لیبرال‌تری نسبت به دیگر جریان اسلام‌گرای سنی و سلفی یعنی «الاصلاح» داشتند. اختلاف این دو جریان بر موضوع مشارکت زنان در امور سیاسی و انتخابات سال ۲۰۰۶ به سطح جهانی رسید.

علی احمد عضو مجلس بحرین و جریان المنبر در مورد حقوق سیاسی زنان در بحرین گفته است: «اعطای حقوق سیاسی به زنان در بحرین خلاف احکام اسلامی نیست. زنان باید برای تحقق آرزوهای خود انگیزه بگیرند و به پیشرفت پادشاهی کمک کنند. از توانمندسازی سیاسی زنان حمایت می‌کنیم و می‌خواهیم بهترین زنان در انتخابات پیروز شوند. معتقدیم که داشتن رئیس دولت زن مخالف اصول و قوانین شرع است، اما هر پست دیگری در زیرمجموعه آن برای ورود زنان باز است.» در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۶ جریان او وعده داده بود با چند کاندیدای زن وارد انتخابات شود. اما فقط هیفا المحمود، متخصص چشم در لیست قرار گرفت. اما پس از ائتلاف انتخاباتی با جریان «الاصلاح» که مخالف حضور زنان بود، همین یک نفر نیز از فهرست انتخاباتی آن‌ها حذف شد (Zweiri, 2007: 7).



در مقابل، ال ابونون<sup>۱</sup> عضو جمعیت الاصلاح به تریبون بحرین گفت: «جمعیت وی مخالف مشارکت زنان در انتخابات سال ۲۰۰۶ است و این موضع‌گیری نشانگر صداقت جریان ماست. در حالی که دیگر احزاب فقط در سخنان خود از مشارکت زنان حمایت می‌کنند و در عمل از هرگونه اقدام خودداری می‌کنند. اگر زنان به ما در انتخابات کمک کنند و با کمک آن‌ها موفق به پیروزی در انتخابات شویم، قطعاً به آن‌ها کمک خواهیم کرد، اما جمعیت ما از هیچ کاندیدای زنی حمایت نخواهد کرد» (Zweiri, 2007: 7).

در خصوص حضور زنان در مجلس مشورتی وضع کمی بهتر بود، زیرا در سال ۲۰۰۲، پادشاه بحرین یک مجلس مشورتی با حضور ۲۰ شیعه، ۱۹ سنی و ۱ زن مسیحی تشکیل داد (katzman, 2011: 3). اما در سال ۲۰۰۶ یازده زن به عضویت مجلس مشورتی درآمدند که هدی عزرا نونو عضو یهودی مجلس، جایگاه خود را در اواسط دوره این مجلس برای تصدی سمت سفیر بحرین در ایالات متحده آمریکا ترک کرد. بنابراین در این دوره، زنان ۲۵ درصد از اعضای مجلس مشورتی را تشکیل می‌دادند (Ahmad, 2011: 12). اگرچه در انتخابات سال ۲۰۰۲، حضور و مشارکت زنان در عرصه رقابت‌های انتخاباتی کم‌رنگ بود، در انتخابات سال ۲۰۰۶، این وضعیت بهبود پیدا کرد. انتصاب یازده زن در مجلس مشورتی از طرف پادشاه بحرین، نشانگر اراده حاکمیت در ارتقای جایگاه سیاسی زنان در کشور بود.

## مشارکت زنان در انتخابات سال ۲۰۱۰

هنجارهای محافظه‌کارانه جامعه بحرین و همچنین موفق نبودن زنان در انتخابات سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، سبب شد تا ثبت نام زنان در این دوره از انتخابات کاهش یابد. در این دوره در کل ۱۲ زن وارد رقابت‌های انتخاباتی شدند که از این تعداد ۹ نفر برای انتخابات مجلس و ۳ نفر برای عضویت در شورای شهر ثبت نام کردند. گفتنی است همه کاندیداهای زن به‌عنوان نامزدهای مستقل ثبت نام کردند و با تشکیل ائتلافی با عنوان «ائتلاف دوازده زن شجاع» اطمینان داشتند که زنان و مردان بحرین آن‌ها را تنها نخواهند گذاشت. کاندیداهای زن معتقد بودند، جامعه بحرین اکنون به اندازه کافی رشد یافته است تا افرادی را انتخاب کند که فارغ از جنسیت، توانایی خدمت به ملت را داشته باشد (Toumi, 2010).

در این دوره فضای انتخاباتی نسبت به دوره‌های پیش بهبود پیدا کرده بود و جامعه آمادگی بیشتری برای کاندیداتوری زنان داشت. با این حال، زنان چندان رغبتی به رقابت‌های سیاسی

1. Mr Al Buaneen



نداشتند و تنها دو نفر از آنها توانستند در این انتخابات پیروز شوند. یکی لطیفه سلمان که به‌عنوان اولین زن بحرینی توانست در انتخابات شورای شهر به پیروزی دست یابد و دیگری، لطیفه القعود که مانند سال ۲۰۰۶ به مجلس نمایندگان راه یافت (Karolak, 2012: 8). پادشاه بحرین نیز ۳۰ نفر از ۴۰ نفر عضو مجلس مشورتی را برای یک دوره دیگر منصوب کرد که از آن میان فقط ۱۰ نفر از اعضا به‌عنوان عضو جدید منصوب شدند. در این مجلس نیز ۴ نفر زن عضویت داشتند که تعداد آنان نسبت به دوره قبل کاهش پیدا کرده بود. یکی از چهار عضو جدید، نانسی دینا ایلی خضوری، زنی یهودی بود که جمعیت ۴۰ نفری یهودیان بحرین را نمایندگی می‌کرد. زن دیگر، هاله رمزی فایز قریصه، زنی مسیحی که نماینده هزار نفر جمعیت مسیحی بود (katzman, 2011: 5).

### مشارکت زنان در انتخابات سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸

در انتخابات نوامبر ۲۰۱۴، ۳۴ نفر زن نامزد انتخابات (مجلس نمایندگان و شورای شهر) شدند که از آن تعداد، ۲۲ نفر نامزد مجلس نمایندگان بودند. با این وجود، فقط ۳ زن به نام‌های فاطمة العصفور، رؤی الحیاکی و جمیلة منصور به پیروزی دست یافتند. نکته قابل توجه در مورد این انتخابات، افزایش تعداد نامزدهای زن نسبت به مجموع نامزدها (۲۹۷ نفر) و پیروزی سه نفر از آنها بود که نسبت به دوره قبل افزایش قابل قبولی نشان می‌دهد. همچنین در این انتخابات، ۱۲ نفر از زنان برای انتخابات شورای شهر ثبت نام کردند که از آن میان، ۳ نفر به نام‌های صباح الدوسری، فاطمه عباس و بدور جعفر به پیروزی دست یافتند که بازهم نسبت به انتخابات سال‌های پیش افزایش یافته است (Murshid Al-Zuhairi, Salam and Abdol Hamid, 2015: 74 - 75).

در انتخابات سال ۲۰۱۸ نیز شاهد افزایش مشارکت زنان هستیم. در این انتخابات این شش زن موفق به راهیابی به مجلس نمایندگان شدند: سوسن کمال، زینب عبدالامیر، معصومه عبدالرحیم، کلثوم الحیاکی، فوزیه بنت عبدالله زینل و فاطمه القطری (Aljazeera's News Report, 2018). ضمن اینکه در اولین جلسه مجلس نمایندگان، فوزیه زینل با اختلاف آرای زیاد نسبت به عادل العسومی و عیسی الکوهجی به‌عنوان رئیس مجلس نمایندگان انتخاب شد. انتخاب او علاوه بر موفقیتی ارزشمند برایش، دستاوردی مهم برای زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی و همچنین اثبات توانایی‌های خود برای تصدی سمت‌های بالا محسوب می‌شود. بر همین اساس، نشریات و وبسایت‌های خبری در سطح جهان مفصل به این انتخاب پرداخته‌اند. برای نمونه، «seenews» در این خصوص آورده است: «در تاریخ





بحرین نوشته شد که فوزیه زینال به‌عنوان اولین زن رئیس مجلس نمایندگان انتخاب شد. تا پس از امل القباسی، رئیس مجلس امارات متحده عربی که در سال ۲۰۱۵ این سمت را عهده‌دار شد، او دومین زن در تاریخ خلیج فارس و جهان عرب باشد که به این جایگاه دست یافته است. فاطمه زینال ۲۵ رأی از مجموع ۴۰ رأی مجلس نمایندگان را کسب کرد (Elsayed, 2018). پس از انتخاب او به‌عنوان رئیس مجلس نمایندگان، پادشاه بحرین به همین مناسبت پیام تبریکی بدین مضمون فرستاد: «انتخاب اولین زن به‌عنوان رئیس مجلس نمایندگان، دستاوردی مهم و پرارزش است که پادشاهی بحرین به آن افتخار می‌کند. حکومت همواره به دنبال حمایت و توانمندسازی زنان بحرینی در جهت دستیابی آنان به بالاترین جایگاه قانون‌گذاری تلاش کرده است» (Nasir, 2018).

علاوه بر این، در سال ۲۰۱۸، ۹ نفر از زنان به عضویت مجلس مشورتی درآمدند که اسامی و سمت آن‌ها بدین ترتیب است: جمیله علی سلمان، نائب رئیس دوم مجلس؛ المحامیه دلال جاسم الزاید، رئیس کمیسیون قانون‌گذاری و امور حقوقی؛ جهاد عبدالله فاضل، رئیس کمیسیون خدمات؛ هاله رمزی فایز قریصه، رئیس کمیسیون امور زنان و کودکان؛ نانسى خضوری، نایب‌رئیس کمیته امور خارجه، دفاع و امنیت ملی و عضو کمیته امور جوانان؛ صباکه سبیکه خلیفه احمد الفضاله، رئیس کمیته امور جوانان؛ ابتسام محمد صالح الدلال، نایب رئیس کمیته خدمات؛ فاطمه عبدالجبار الکوهجی، رئیس کمیته امور زنان و کودکان و منی یوسف خلیل المؤید، عضو کمیته حقوق بشر و کمیته خدمات عمومی و محیط زیست (www.shura.bh).

## نتیجه

همان‌طور که گفتیم به قدرت‌رسیدن شیخ حمد بن عیسی آل‌خلیفه در سال ۱۹۹۹ و تمایلش به اجرای اصلاحات سیاسی در بحرین، زمینه‌های اعطای حق رأی به زنان را فراهم کرد. به بیان دیگر، تلاش او برای کسب رضایت مخالفان حکومت، منجر به ورود بیش از پیش زنان به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شد. در حال حاضر، شاخصه‌های ورود زنان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. افزایش فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلات دانشگاهی برای زنان، سبب کسب انگیزه و خودباوری زنان برای ورود به عرصه‌های سیاسی در سال‌های اخیر شده است.

در عرصه فعالیت‌های سیاسی هم هرچند برای زنان بحرین در حال حاضر امکان تصدی مناصب بالای حکومتی مانند نخست‌وزیری، وزارت خارجه، وزارت دادگستری، وزارت دفاع



وجود ندارد، اما شواهد موجود حاکی از آن است که در طول سال‌های اخیر نگرش حاکمیت نسبت به جایگاه و نقش آنان در مسائل سیاسی تغییرات چشمگیری داشته است. انتخاب یک زن به‌عنوان رئیس مجلس از سوی دیگر نمایندگان به همراه انتصاب‌های فراوان زنان به‌عنوان سفیر و وزیر و مدیران دولتی، مؤید و مبین تفاوت نگاه حاکمیت نسبت به زنان در مقایسه با دیگر کشورهای عربی است. اما نکته مهم، اعمال تبعیض نسبت به زنان شیعه است. در واقع، با وجود پیشرفت‌هایی که در قوانین مربوط به زنان به‌وجود آمده است، هنوز هم تبعیض‌هایی در فرصت‌های شغلی و کسب پست‌های مدیریتی برای زنان شیعه وجود دارد. به بیانی، با وجود حضور زنان شیعه در انتخابات به‌عنوان کاندیدا، هنوز جایگاه مطلوبی در ساختار سیاسی حکومت به‌دست نیاورده‌اند.



## Reference

1. Ahmad, Donya (2013), Bahraini Women in Leadership Positions in the Legislative Council as a Model, Bahrain: Bahrain Institute of Administration. (in Arabic)
2. Aljazeera's News Report (2018), Record number of Bahraini women elected to parliament, 2 Dec 2018. [www.aljazeera.com/news/2018/12/2/record-number-of-bahraini-women-elected-to-parliament](http://www.aljazeera.com/news/2018/12/2/record-number-of-bahraini-women-elected-to-parliament) (in Arabic)
3. Amirdehi, Alireza (2011), Bahrain: Land of Pearls, Andishe-e Taqrib, Vol. 7. No. 27 (in Persian)
4. Bahrain Center for Strategic International and Energy Studies (2018), "The National Report for Human Development – Manama", [https://www.derasat.org.bh/wp-content/uploads/2019/07/BHDR%20\(AR\).pdf](https://www.derasat.org.bh/wp-content/uploads/2019/07/BHDR%20(AR).pdf) (in Arabic)
5. Bahrain NGO (2008), The Shadow Report on Implementation of the Convention on the Elimination of all Form of Discrimination against Women (CEDAW). Bahrain shadow CEDAW report-september-2008. doc (ohchr.org), (in Arabic)
6. Bayat, Kaveh (2000), "Bahrain Election", Conversation Magazine, No. 29. (in Persian)
7. Bazar, Elham (2010), Bahrain, Tehran: Amir Kabir Press. (in Persian)
8. Ahmed Abdulla Ahmed, Donya (2011). Bahrain. Washington, DC: Freedom House. (in Arabic)
9. Council of Representatives (2014), Legislative Set, Bahrain: Council of Representatives. (in Arabic)
10. Faraji, Malihe (2017), "The human rights situation of Bahrain Women; Examining the performance of the rulers of this country", Journal of Women's Rights Protection Studies, Vol. 3. No. 9 (in Persian)



11. hatami, mohammadreza and beygi, alireza (2018), “Review of the National Action Charter and its Impact on the Political Situation in Bahrain”, *Journal of Political Sociology of Islamic World*, Vol. 6. No. 12. 10.22070/IWS.2018.2947.1516 (doi) (in Persian)
12. Kazemi Dinan, Morteza (2009). *Causes of Shiite Uprising in the Southern Persian Gulf (Saudi Arabia, Bahrain, Kuwait)*, Qom: Shiite Studies Publications Institute (in Persian)
13. Kharazi, Sadegh and Others (2012), *Culture of Bahrain’s Contemporary Men*, Tehran: Ezam Press (in Persian)
14. Karolak, Magdalena (2012), “Bahraini Women in the 21st Century: Disputed Legacy of the Unfinished Revolution”. *Journal of International Women’s Studies*. Vol. 13.
15. Katzman, Kenneth (2011), *Bahrain: Reform, Security, and U.S. Policy*. August 31. Congressional Research Service. <https://crsreports.congress.gov/95-1013>
16. Mahjoob Zweiri, Mohammed Zahid (2007), “The Victory of Al Wefaq: The Rise of Shiite Politics in Bahrain”, *Research Institute for European and American Studies (RIEAS)*.
17. Murshid Al-Zuhairi, Abu Bakr and Tawfiq Salam and Tariq Abdul Hamid (2015), *Bahraini Women in the National Council; present challenges and future prospects*, Bahrain: Bahrain Institute for Political Development. (in Arabic)
18. Nasir, Ahmad (2018), “Bahraini Fawzia Zainal is the second woman to hold Parliament in the Arab World”, *News Alain*. <https://al-ain.com/article/bahraini-woman-fawzia-zainal-parliament1>(in Arabic)
19. Pishgahi Fard, Zahra and Zohdi Goharpour, Mohammad (2010), “Survey the Position and Role of Middle Eastern Women in Political Participation”, *Journal of Women and Society*, Vol. 1. No. 1. (in Persian)



20. Rezvani Nia, Khadijeh (2016), “Akhbarigary’s Flow in Bahrain based on the Role of Sheikh Yusuf Bahraini”, Master Thesis in History, Imam Khomeini International University, Faculty of Humanities, History Department. (in Persian)
21. Saif Afjehi, Masoumeh (2002), Bahrain, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. (in Persian)
22. Supreme Council for Women (2016), “The National Strategy for the Protection of Women from Domestic Violence”, Second Edition, (in Arabic)
23. <https://www.scw.bh/en/InformationCenter/Pages/nsdv.aspx>
24. Toumi, Habib (2010), one small step for women in Bahrain, <https://gulfnews.com/world/gulf/bahrain/one-small-step-for-women-in-bahrain-1.691240>
25. United Nation Foundation (2014), National Report of the Kingdom of Bahrain on Progress Made in the Implementation of Beijing Declaration and Platform for Action – 2014, (in Arabic) [https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/13235Bahrain\\_review\\_en\\_Beijing20.pdf](https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/13235Bahrain_review_en_Beijing20.pdf)
26. Wafa Alamm (2020), “We Have Achieved a lot in Bahrain, but we strive for more”, Wilson center.org. [www.wilsoncenter.org](http://www.wilsoncenter.org) (in Arabic)
27. Yassmine Elsayed (2018), “History Written in Bahrain: Woman Chairs Parliament”, See news, December 15.
28. Zaman, Ahmad (2018), “Positions of Bahraini Womens”, Al-Ayam, June 11 (10815) November 18 (10815), <https://www.alayam.com> (in Arabic)